فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی–فرهنگی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ٤، بهار ١٤٠٣، صفحات١٠١–٧٧

مقاله پژوهشی

تحرک اجتماعیِ درون نسلی در یک جامعهٔ درحال گذار

سیدکمال الدین موسوی[١]؛ مهدیه کاظمیان[٢]

تاریخ دریافت: ١٤٠٢/٠٨/١٣ تاریخ پذیرش: ١٤٠٣/٠١/١٦

چکیده

مطالعهٔ حاضر به بررسی تحرک اجتماعی درون نسلی در شهر کاشان به عنوان یک جامعهٔ در حال گذار می‌پردازد. شناخت میزان تحرک، عوامل مؤثر بر آن و راهبردهای مورد استفاده در این فرآیند، هدف اصلی پژوهش بوده است.. نظریه‌های گیدنز، مک کلیلند و بوردیو، پایهٔ نظری اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. جامعهٔ آماری پژوهش شامل کلیهٔ شهروندان ٢٥ تا ٦٤ سالهٔ کاشان می‌باشد که از بین آن‌ها ٣٨٥ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان تحرک بین نسلی تقریبا معادل ٤٠ درصد است و اکثریت افراد، به طور عمده، یک درجه تحرک را تجربه کرده‌اند. متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و عدم اعتقاد به شانس و اقبال، نقش مؤثری در تحرک رو به بالا و درون نسلی پاسخ دهندگان داشته است. جامعهٔ مورد مطالعه به طور عمده، از راهبردهای اقتصادی و آموزشی به منظور پیشرفت و ارتقاء درون نسلی بهره برده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تحرک درون نسلی؛ عوامل تحرک؛ ارتقاء اجتماعی؛ استراتژی‌های تحرک.

---

[١] . استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسندهٔ مسؤول). okna8062@yahoo.com

[٢] . دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. mahdiehkazmian79@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

مقدمه و طرح مسأله

نظریه‌پردازی پیرامون تحرک اجتماعی، با سوروکین[1] جامعه‌شناس روسی در نیمهٔ اول قرن بیستم آغاز شد، اما مطالعات تجربی در این زمینه، دهه‌ها بعد، توسط جامعه‌شناسان صورت گرفت و همچنان تا به امروز ادامه دارد. در این مسیر، همواره "موقعیت شغلی" به عنوان شاخصِ سنجش تحرک اجتماعی مورد نظر بوده است، زیرا موقعیت شغلی، ابعاد مهمی از زندگی انسان‌ها مانند درآمد، منزلت اجتماعی و سبک زندگی و جایگاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحرک اجتماعی، جنبه‌های پویا، سیال و انعطاف‌پذیر زندگی را در جامعه نشان داده است و ناظر بر باز یا بسته بودن یک جامعه از لحاظ امکان پیشرفت و ترقی برای اعضای خود می‌باشد. شاید مطالعهٔ تحرک اجتماعی در جوامع ایستا و بدون تغییر که ریتم زندگی در آنها مدت‌ها یکسان و مشابه باقی است، چندان مهم نباشد، اما در جوامعی که در حال تغییر و پوست‌اندازی هستند، این نوع مطالعات هم مهم و هم ضروری است. در ایران، یکی از شهرهایی که در این سال‌ها مختصات آن دستخوش دگرگونی است و فرایند گذار را در آن با چشمان غیر مسلح نیز می‌توان دید، شهر کاشان است. شهری با نرخ رشدی معادل ۱۲/۷ طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵ که پذیرای طیف متنوعی از جمعیت دیگر شهرهای کشور است (شهرداری اصفهان، ١٣٩٦: ٥٨).

بافت‌های قدیمی شهر، در حال فرسودگی، خانه‌های پدری در حال خالی و متروکه شدن و نسل‌های جدید ضمن استقرار در نواحی جدید و نوساز، به تدریج در حال فاصله گرفتن از عادات، سنن، فرهنگ و حتی مشاغل آباء و اجدادی هستند. ارزش‌ها و اولویت‌های نسل جدید نیز نسبت به نسل گذشته در حال تغییر است و این فاصله گرفتن ارزشی، هنجاری و ترجیحیِ نسل‌ها در کشور که تاکنون مورد اشارهٔ پژوهش‌های متعددی بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲، پناهی، ۱۳۸۳، توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵)، پدیده‌ای غیر طبیعی نیست، بلکه یک ضرورت تاریخی و ناشی از تکاثر تدریجیِ اطلاعات و افزایش قدرت ذخیره‌سازی اطلاعات و دانش در انسان-هاست (عبداللهیان، ۱۳۸۲).

در شهر کاشان، تا مدتی قبل، زنان و دختران به قالی بافی، گلابگیری و صنایع دستی مشغول بودند، اما امروزه به طور عمده، به مشاغل اداری، خدماتی و فرهنگی روی می‌آورند. تعطیلیِ کارخانجات بزرگ و پر رونقِ پارچه بافی، نخ ریسی و مخمل بافی در سال‌های پس از انقلاب ۵۷، باعث رونق مشاغل جدیدی شده است و نسل جدید، در حال ورود به مشاغل تخصصی،

[1] . Sorokin, P.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

فنی، خرید و فروش و تجارت انواع کالاها است. دگرگونی فضای اجتماعی این شهر در حوزه-های متنوعِ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک، آن‌قدر گسترده شده است که تحولات هر حوزهٔ پژوهش مستقل و نوشتار جداگانه‌ای را می‌طلبد. در این میان، پژوهش حاضر مطالعهٔ تحرک اجتماعی درون نسلی را مورد توجه خود قرار داده است و در جستجوی آن است که بداند شهروندان کاشانی در طول زندگی چقدر تحرک اجتماعی، به ویژه پیشرفت داشته‌اند؟ از چه استراتژی‌هایی برای پیشرفت استفاده کرده‌اند، و به طور عمده، چه عواملی بر پیشرفت و ارتقاء آنها اثر گذار بوده است؟ در راستای تأمین اهداف مورد نظر، سؤالات و فرضیاتی به شرح زیر در دستور کار پژوهش قرار دارد.

- میزان تحرک اجتماعی درون نسلی در شهروندان شهر کاشان چقدر است؟
- شهروندان از چه استراتژی‌هایی برای ارتقاء و پیشرفت استفاده می‌کنند؟
- بین متغیرهای زمینه‌ای و ارتقاء درون نسلی، رابطه وجود دارد.
- بین عوامل انگیزشی و ارتقاء درون نسلی رابطه وجود دارد.
- بین عوامل فرهنگی و ارتقاء درون نسلی، رابطه وجود دارد.

پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ تحرک اجتماعی، تحقیقاتی به طور منظم از دههٔ پنجاه هجری شمسی در ایران آغاز شده است. به عنوان نمونه، در پژوهشی که در زمینهٔ تحرک اجتماعی احمد اشرف و علی بنوعزیزی در سال ۱۳۵٦ در بین ۱۸۰۰ مرد سرپرست خانوار در تهران و شیراز انجام دادند، معلوم شد بخش مهمی از کارگران که در دورهٔ پهلوی اول و دوم زندگی می‌کردند، از مشاغل بخش کشاورزی به صنعت و تعداد کمتری نیز از کشاورزی و صنعت به بخش خدمات تغییر شغل داده بودند. در بین کارگران تولیدی، ۱۸٪ تحرک نزولی و ۳٤ ٪ تحرک صعودی ملاحظه شد، اما کارکنان دفتری ۲٦ ٪ تحرک نزولی و ۳٤ ٪ تحرک صعودی را تجربه کردند. در طبقهٔ متوسط سنتی یا کسبه و پیشه‌وران نیز ۳٤ درصد تحرک نزولی و ۳۸ ٪ تحرک صعودی دیده شد. در کارگران خدماتیِ سطح پایین، تنها ۳ درصد تحرک نزولی، اما ۸۷٪ تحرک صعودی رخ داده بود و در صاحبان مشاغل حرفه‌ایِ سطح بالا، ٦٤ ٪ تحرک نزولی و ۱۸ ٪ تحرک صعودی به چشم می-خورد (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در پژوهشی دیگر، مقدّس (۱۳۷٤) با بهره‌گیری از یک نمونهٔ ۲۲۰۰ نفری شاغلین در دو شهر شیراز و یاسوج دریافت که در شیراز تحرک صعودی و در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

یاسوج تحرک افقی شایع‌تر است. همچنین، در شیراز، زنان برای تحرک بیش از مردان متّکی به تحصیلات خود و همسران‌شان هستند. شهلا کاظمی پور (۱۳۷۸) نیز با مطالعه در بین ۱۵۰۰ نفر از ساکنان مناطق مختلف شهر تهران متوجه شد، عوامل عمدهٔ تحرک اجتماعی در تهران را خاستگاه جغرافیایی، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی خودِ فرد و پدر او تشکیل می‌دهد. در دههٔ ۸۰ سفیری و ایمانی (۱۳۸۵) طی پژوهشی دریافتند دختران و زنان تهرانی ارتقاء داشتند و در مسیرارتقاء و پیشرفت آن‌ها، درآمد والدین، تحصیلات و سن ازدواج پاسخگویان نقش داشته است. در آغاز دههٔ ۹۰ شمسی، پژوهش زارع و لطفی (۱۳۹۲) در کرمانشاه نشان داد حدود ۱۹٪ افراد مورد بررسی، تحرک صعودی، ٢٦٪ تحرک افقی و تقریبا ۳۰٪تحرک نزولی را تجربه کرده‌اند و عواملی مانند سرمایهٔ اجتماعی خانواده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و تحصیلات فرد در ارتقاء آنها نقش داشته‌اند. در اواسط دههٔ ۹۰ شمسی، پژوهش غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) در شهر گرگان نشان داد عواملی چون جنسیت، سطح آموزش بالا، مدارک تحصیلی و شغلی و مهارت‌های علمی و آموزشی (سرمایهٔ فرهنگی) افراد را به جایگاه اجتماعی بالاتر سوق می‌دهد. امینی خو و همکاران (۱۳۹٦) نیز پژوهشی با عنوان "میزان تحرک اجتماعی مهاجرین روستا- شهری و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی: مورد مطالعه مهاجرین شهرهای یاسوج و مادوان" انجام داده‌اند و دریافتند تحرک اجتماعی با سرمایهٔ اجتماعی، سطح تحصیلات و سن، دارای رابطهٔ معنادار است و این متغیرها ٢٦/١ درصد از تغییرات تحرک اجتماعی مهاجرین روستا به شهر به ویژه، مهاجرین جوان را تبیین می‌کنند.

در یک جمع‌بندی کوتاه، پژوهش‌های داخل کشور که غالبا در پایتخت یا مراکز استان‌ها صورت گرفته است، به طور عمده، به نقش عواملی مانند تحصیلات، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، جنسیت، درآمد والدین و سن در تحرک اجتماعی درون نسلی اشاره داشته‌اند. در همین حال، با نگاهی نسبتا جامع‌تر، پژوهش حاضر از یک‌سو میزان تحرک درون‌نسلی و برخی عوامل مؤثر بر آن و از سوی دیگر، استراتژی‌های مورد استفاده توسط شهروندان را برای پیشرفت و ارتقاء در یک محیط سنتی اما در حال گذار مانند کاشان مطالعه می‌کند، زیرا به نظر می‌رسد کنکاش در این زمینه، به ویژه در شهرهای کوچک کشور، کمتر مورد توجه محققان بوده است.

در کنار پژوهش‌ها، ادبیات جامعه‌شناختی نیز در بردارندهٔ نظریات متنوعی جهت تبیین تحرک اجتماعی است که در این قسمت مروری بر آنها خواهد شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

مبانی نظری چهارچوب نظری

در بین کلاسیک‌های جامعه‌شناسی، اسپنسر جامعهٔ صنعتی را یک جامعه باز می‌دانست که در آن مسیر تحرک و پیشرفت برای افراد گشوده است و میل انسان‌ها برای ارتقاء، بیشتر از جوامع غیر صنعتی است. اما در جوامع سنتی، میل انسان‌ها به ثبات بیش از تغییر است و ازاین‌رو، به جای تحرک اجتماعی، فرایندهای حفظ موقعیت و بازتولید اجتماعی در این جوامع، پررنگ‌تر و نیرومندتر است. چنین چشم‌اندازی، مطالعه دربارهٔ غلبهٔ گرایش به تحرک یا عدم تحرک را در جامعه‌ای در حال گذار مانند کاشان جالب توجه می‌سازد. کارل مارکس، با توجه به شرایط انتقالی جوامع در اروپای قرن ۱۹، دو تحرک بزرگِ اجتماعی و کاملا متضاد را در کانون توجه خود قرار داده بود: از یک‌سو تحرک نزولی کارگران تولیدی و کشاورزان که در ساختار نظام صنعتی سرمایه‌داری پیوسته به اقشار ضعیف و خرده پا تبدیل می‌شدند، از سوی دیگر، تحرک صعودیِ طبقات بورژوا و تسلط آن‌ها بر تمامیِ ارکان جامعه، که هردوی این جریان‌ها ناشی از تغییرات ساختاری آن دوران بوده است و قابلیت‌های فردی در آن‌ها نقش اندکی داشته است (مارکس، ۱۳۵۷: ٦٤٨)، مارکس این دو تحرک را به یکدیگر وابسته می‌دانست یعنی هرگونه تحرک صعودی در یکی، تحرک نزولی در دیگری را به همراه خواهد داشت. به لحاظ پیامدی نیز مارکس عقیده داشت تحرک اجتماعی هویت طبقاتی و میزان وفاداری به آن را در افراد تضعیف می‌کند زیرا برای افرادی که در مسیر تحرک اجتماعی‌اند مشکل است از همان آگاهی طبقاتیِ نیرومندی که دیگر اعضای طبقه از آن بهره مندند برخوردار باشند و در نتیجه آگاهی طبقاتی در آنها کاهش می‌یابد (آرون، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

باتامور[1]، نیز ضمن تحلیل ساختاری از موضوع، تحول در ساختار مشاغل موجود به واسطهٔ توسعهٔ فرایند صنعتی شدن را عامل افزایش تحرک اجتماعی قلمداد می‌کند، زیرا توسعهٔ صنعتی همراه با بهبود وضع آموزش عمومی، امکان بی سابقه‌ای را برای افراد در جوامع صنعتی فراهم ساخته است، شکاف طبقاتی را کاهش داده است و بر نگرش‌ها و نظرات مساوات طلبانه در جامعه می‌افزاید. اما در جوامع در حال توسعه، وضعیت متفاوت است، زیرا طبقهٔ متوسط به ویژه کارگزاران دولتی و طبقهٔ روشنفکر، نقش عمده‌ای در تحرک اجتماعی دارند. قشر روشنفکر در جوامع در حال توسعه، منسجم‌تر از روشنفکران در جوامع صنعتی است و ظرفیت اثرگذاری

[1] . Bottomore, T.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

اجتماعیِ بالاتری دارد. کارگزاران دولتی نیز از آنجا که مسؤولیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های وسیع اقتصادی و اجتماعی را در دست دارند، نقش مهمی در تحرک اجتماعی ایفا می‌کنند .

سوروکین[1]، نقش حوادث و رویدادهای تاریخی را به عنوان عاملی موثر بر تحرک اجتماعی – به ویژه تحرک گروهی و جمعی- برجسته کرده است. به عنوان نمونه، در فرایندِ یک انقلاب، همواره تحولات سریع و عمیقی ایجاد می‌شود؛ اعضای قشر یا گروه حاکم از حکومت خلع می-شوند و گروه یا قشر دیگری جایگزین آن می‌گردد؛ در فرهنگ و عقاید و ارزش‌های جامعه تغییراتی حاصل می‌شود، برخی الگوهای رفتاری، طرز تلقی‌ها و...تغییر می‌کند و باعث می‌شود تا جهت‌گیریِ فعالیت‌ها عوض شود؛ عده‌ای به مواضع قدرت دست پیدا کنند، عده‌ای ثروتمند شوند و عده‌ای هم با ایفای نقش انقلابی و ایدئولوژیک از منزلت و اعتبار اجتماعی بالاتر برخوردار گردند، یا در زمان وقوع جنگ، به اقتضای شرایط جنگی و نظام سیاسی تمرکزگرا تر شوند و غالبا محدودیت‌هایی برای آزادی فراهم می‌شود. وضعیت جنگی، به لحاظ اقتصادی ممکن است در برخی زمینه‌ها تحرک اجتماعی را افزایش دهد، ولی در برخی زمینه‌ها تحرک را کاهش دهد (خدابنده لو،۱۳۷۲: ٦۲). سوروکین در هر دورهٔ تاریخی بر یک یا چند نهاد اجتماعی که وسایل تحرک را فراهم می‌کنند، تأکید دارد. این نهادها (خانواده، کلیسا، مدرسه، ارتش، دولت، بازار و...) نقش ارزیاب اجتماعی را ایفا می‌کنند، افراد را بر حسب لیاقت و استعدادشان انتخاب می‌کنند و آن‌ها را در جایگاه و موقعیت‌های مختلف توزیع می‌کنند (جبلی بخت آرا، ۱۳۸۷: ٤۷).

در بین معاصران جامعه‌شناسی، پی یر بوردیو هم به ساختار و زمینهٔ اجتماعی و هم به کنش و نگرش افراد توجه دارد. از این منظر، تحرک اجتماعی از یک‌سو متأثر از زمینهٔ خانوادگی است و خانواده در شکل دادن به شخصیت، منش، خلق و خو، ارزش‌ها، هنجارها و گرایش‌های افراد به ویژه در حوزهٔ کار و شغل مؤثر است. از سوی دیگر، تحرک اجتماعی تحت تأثیر عادات، ارزش-ها، هنجارها و باورهای فردی است که آن‌ها نیز در پیوند با شرایط، زمینه‌ها و فرایندهای اجتماعی شدن قرار دارند. در حقیقت، فرهنگ و ارزش‌ها و... در اندیشهٔ بوردیو با زمینه‌های ساختاری، طبقاتی و خانوادگی گره خورده‌اند (نایبی، ۱۳۹۰: ۱۰). علاوه بر این، بوردیو توزیع نامتوازن منابع قدرت، ثروت و سرمایه‌های در اختیار افراد در عرصه‌های مختلف را نیز به عنوان یک عامل ساختاری تلقی می‌کند (توکل، قاضی نژاد، ۱۳۸۵) که ضمن ایجاد فاصله‌های ارزشی و هنجاری

[1] . Sorokin, P.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

بین نسل‌ها (پناهی،۱۳۸۳) می‌تواند امکان تحرک اجتماعی را برای برخی نسل‌ها دشوارتر از بقیه بنماید.

در همین رابطه، موانع و مشکلاتی که بر سر راه تحرک اجتماعی وجود دارند نیز از نگاه جامعه‌شناسان دور نمانده است و به روشنی به برخی مکانیزم‌های مسدود کنندهٔ مسیر پیشرفت و ارتقاء انسان‌ها پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، پارکین[۱]، مسألهٔ انسداد اجتماعی را در ممانعت از تحرک گروه‌هایی از جامعه توسط گروه‌های دیگر مطرح کرده است. آنتونی گیدنز[۲] و ساندرا بِم[۳] نیز بر تأثیر جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی بر روی امکان تحرک اجتماعی به ویژه برای زنان تأکید کرده‌اند. گیدنز ضمن پذیرش واقعیتِ حضورگستردهٔ زنان در مدارس عالی و دانشگاه‌ها، به وجود موانع متعدد در مسیر تحرک آنان اشاره می‌کند و این موانع را همچون یک سقف شیشه‌ای می‌داند که مانع ارتقاء شغلی و سازمانی زنان به ویژه در پست‌های مدیریتی می‌شوند. برخوردهای تبعیض‌آمیز مدیران و کارفرمایان با زنان شاغل و پیشداوری‌های منفی بسیاری از مدیران در اینکه زن‌ها با تشکیل خانواده شغل خود را رها می‌کنند و چون باید بین کار و فرزندپروری، در نهایت یکی را انتخاب کنند، نمی‌توان روی مسؤولیت‌پذیریِ حرفه‌ای آنان حساب باز کرد، از جمله موانعی است که به نظر گیدنز مسیر تحرک اجتماعی زنان را دشوار می‌سازد (گیدنز، ۱۳۹۷: ٤٤١).

برخی نظرات به طور عمده، روی انگیزهٔ درونی انسان‌ها برای تحرک و پیشرفت تمرکز کرده‌اند. گی روشه[٤] و دیوید مک کله لند[٥] انگیزه موفقیت و نیاز به موفقیت در افراد را عامل تحرک اجتماعی بر می‌شمارند و تأکید می‌کنند کسانی که انگیزهٔ موفقیت بیشتری دارند، گرایش شدیدتری به پیشرفت و تحرک اجتماعی نیز داشته‌اند. البته، چنین انگیزه‌ای در تمامی افراد و طبقات یکسان نیست و علت آن را می‌باید در شرایط و وضعیت‌های اجتماعی جستجو کرد، زیرا باعث تولید درجات متفاوتی از انگیزهٔ موفقیت و نیاز به موفقیت در افراد می‌شود (منقبتی، ۱۳۸۷: ۲۵). نقطهٔ مقابل انگیزهٔ موفقیت را در نظریات اورت راجرز[٦] پیرامون تقدیر گرایی و نقش آن در جلوگیری از تحرک اجتماعی به ویژه در جوامع سنتی و روستایی می‌توان ملاحظه کرد. به عقیدهٔ راجرز، در جامعه‌ای که تقدیر گرایی و رضایت به سرنوشت رواج دارد، توسعه رخ نمی‌دهد و تحرک و پیشرفت نیز اندک است. گرایش عمومی در چنین جوامعی، رو به سوی ثبات و بازتولید

[1] . Parkin, F.
[2] . Giddenz, A.
[3] . Bem, S.
[4] . Rocher, G.
[5] . Mc-Clelland, D.
[6] . Rogers, E.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

اجتماعی دارد و اقشار و طبقات جامعه خود را در نسل‌های بعدی باز تولید می‌کنند (شمس الدینی، ۱۳۹۵: ۳٤).

به این ترتیب، نظریه‌های جامعه‌شناختی نیز هرکدام از زاویه‌های مختلفی به تحرک اجتماعی، عوامل و موانع مؤثر بر آن و استراتژی‌هایی که برای تحقق آن به کار گرفته می‌شو،د نگریسته‌اند و پژوهش حاضر از این رویکردها در ساخت متغیرها، شاخص‌ها و تنظیم فرضیات پژوهش استفاده کرده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پیمایش اجتماعی است و جامعهٔ آماری پژوهش را شهروندان شاغل ۲۵ تا ٦٤ ساله با جمعیت ۹۳۸۲٦ نفر تشکیل می‌دهند که طبق آمار منتشر شدهٔ تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵ در محدودهٔ قانونی شهر کاشان زندگی می‌کردند. با بهره‌گیری از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان جمعیت نمونه، تعیین شدند و برای جبران پرسشنامه‌های مخدوش، تعداد ۱۵ پرسشنامهٔ اضافه در نظر گرفتیم، اما در نهایت ۳۸۵ پرسشنامهٔ مطلوب جمع-آوری شد و حجم نهایی نمونه را تشکیل داد. شیوهٔ نمونه‌گیری پژوهش، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و در این راستا، ابتدا با در نظر گرفتن مناطق و نواحی پنجگانهٔ شهر کاشان براساس آمارهای سال ۱۳۹۵ به نسبت جمعیت هر یک از مناطق ۵ گانه، تعداد نمونه‌های لازم در هر منطقه مشخص شد. سپس، به تصادف از هر یک از مناطق ۵ گانه، یک ناحیه به قید قرعه انتخاب شدند و در نهایت در هر یک از ناحیه‌های برگزیده، دو یا سه خیابان از مجموعه خیابان‌های آن ناحیه به تصادف انتخاب شدند و در محدودهٔ آن خیابان‌ها پرسشگری صورت گرفت. مناطق و نواحی برگزیده در جدول یک منعکس شده‌اند.

جدول شمارهٔ یک- مناطق، نواحی و خیابان‌های برگزیده و تعداد نمونه‌های مربوطه

مناطق شهری	ناحیهٔ انتخابی	خیابان‌های انتخابی	تعداد پرسشنامه
منطقهٔ ۱ ۳۰۳۲٤ نفر	ناحیهٔ ۱	خیابان رجایی از چهارراه کاشانی تا سه راه میدان میدان فیض، خیابان باب الحوائج، کوچهٔ مخابرات	٤۵
منطقهٔ ۲ ۸۱۲۲۳ نفر	ناحیهٔ ۳	خیابان شاهد و زیارتی (فرعی‌های محمدی، حسینی، تربیت، رحمانی، کوچه مسجد نور) خیابان کارگر از میدان اکسپو تا پل راه آهن	۱۲۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

منطقهٔ ۳ ۷۸۸۸٤ نفر	ناحیهٔ ۳	یک طرف خیابان راه آهن تا بلوارساحلی (فرعی رسالت، داروغه، رضاییان، کوچه روحی) خیابان نطنز (فرعی صاحب الزمان، حسین پور، کوچه های معراج)	۱۱۷
منطقهٔ ٤ ٤۷۸۳۹ نفر	ناحیهٔ ۱	فاز ۱ ناجی آباد، شهرک امیرالمومنین	۷۱
منطقهٔ ۵ ۳۰۸۷۰ نفر	نواحی ۳ و ٤	راوند (شهرک آزادگان، شهرک کارخانهٔ راوند، محلهٔ سادات) بلوار دانش میدان صنعت، کوچهٔ خندان، بلوار قطب راوندی	٤٦

جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، دو پرسشنامهٔ محقق ساخته طراحی و تنظیم گردید. پرسشنامهٔ نخست، به منظور سنجش "منزلت شغلی" مرکب از ۹۹ عنوان شغلیِ رایج در کاشان در ابتدای کار تنظیم شد و پس از مشاوره با ۱۲ نفر از کارشناسان و افراد خبره، اصلاحاتی در آن انجام شد و به صورت نهایی درآمد و اعتبار آن نیز صوری بوده است. پرسشنامهٔ دوم جهت سنجش "تحرک اجتماعی" شامل ۳۲ گویهٔ مرکب از ۱۱ سؤال باز و ۲۱ سؤال بسته و دارای اعتبار سازه می‌باشد. پایایی خرده مقیاس‌های اصلی پژوهش از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که آلفای عوامل انگیزشی ۰/۵۲ و عوامل فرهنگی ۰/٦۰ بوده است. لازم به ذکر است اگرچه ضریب آلفا در خرده مقیاس‌های پژوهش، ضعیف و پایین است، ولی با توجه به اینکه نگرش سنجی عمده‌ترین هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهد، این مسأله مانع انجام پژوهش نشده است. به نظر برخی روش‌شناسان، در مورد مقیاس‌های نگرش سنجی، ضریب آلفا تا ۰/٤۷ کم، ۰/٤۷ تا ۰/۷۹ متوسط و ۰/۸۰ تا ۰/۹۸ زیاد تلقی می‌شود. هنگامی‌که آزمونی برای تصمیم-گیری‌های مهم به کار می‌رود، باید خطای اندازه‌گیری به حداقل ممکن کاهش یابد و ضریب آلفا باید بیش از ۰/۹۵ باشد (غیاثوند، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

تعریف متغیرهای پژوهش

جایگاه و منزلت شغلی

منزلت شغلی، به جایگاه مشاغل در سلسله مراتب قشربندی در جامعه اشاره دارد و روش-های متعددی جهت تعیین آن وجود دارد که عبارتند از روش‌های عینی، ذهنی و اشتهاری (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۹۰). برای سنجش منزلت مشاغل، در این پژوهش ابتدا به مجموعه مقالات کاشان‌شناسی پیرامون مشاغلی که طی دهه‌های اخیر در کاشان رواج داشته است، مراجعه شد و فهرستی از مشاغل استخراج شد و ضمن مشاوره با برخی صاحبن‌ظران، فهرست مربوطه اصلاح

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

شد و در نهایت ۹۹ عنوان شغلی در لیست نهایی تنظیم شد و در اسفند ١٤٠٢ به شیوهٔ نمونه‌گیری خوشه‌ای در اختیار یکصد نفر از مردم قرار گرفت تا به جایگاه و منزلت هر شغل از صفر تا صد امتیاز بدهند. پس از گردآوری امتیازها و معدل‌گیری برای هر شغل، با توجه به فاصلهٔ بین حداقل (۳۳) و حداکثر (٦٩) نمرات، جایگاه و منزلت شغلی با الهام از مدل قشربندی وارنر و سنتر[1] (ریزمن و انگویتا، ۱۳۸۳: ۱۵۲-١٤٠) به ۷ گروه طبقه‌بندی شد که از جایگاه بسیار بالا تا بسیار پایین را در برمی‌گیرد. در جدول شمارهٔ دو، جایگاه و منزلت گروه‌های شغلی به همراه میانگین نمره هر شغل منعکس شده است:

جدول شمارهٔ دو- جایگاه و منزلت مشاغل و میانگین نمرات هرکدام در شهر کاشان

جایگاه و منزلت شغلی	نام مشاغل و میانگین نمره هرکدام
بسیار بالا (٧٠-٦٦)	پزشک متخصص(٦٩)، دندانپزشک(٦٨)، خلبان، کارخانه دار فرش و گلیم و...(٦٦)،
بالا (٦٥-٦٠)	استاددانشگاه(٦٣) ، تاجر بازار(٦٢)، پزشک عمومی، دبیر ، مربی، آموزگار(٦١)
متوسط رو ببالا (٥٩-٥٤)	طلا وجواهرفروش (٥٩)، صاحب داروخانه، پرستار، ماما (٥٧)، وکیل (٥٦)، مدیر شرکت خصوصی، راننده قطار (٥٥)، برنامه نویس کامپیوتر (٥٤)،
متوسط (٥٣-٤٨)	رئیس شعبهٔ بانک، مهندس راه و ساختمان، مهندس کشاورزی و معدن (٥٣)، مالک معدن سنگ، فرش فروش، کشاورز زمین‌دار، باغدار، قالی باف، شَعرباف، زیلوباف، مکانیک ماشین و موتور، پلیس راهنمایی رانندگی، ارتشی، بهیار، مددکار، مشاور (٥٢)، هتل دار، قاضی، سرتیپ ارتش، دامپزشک، معمار، تراشکار، جوشکار، صافکار و نقاش ماشین (٥١)، مدیر آزمایشگاه پزشکی، تولید کنندهٔ لباس و پوشاک، هنرمندِ خطاط، نقاش، تذهیب کار، نانوا، شیرینی پز، کارگر کشاورزی وگاوداری (٥٠)، مدیر مدرسه، دفتردار ثبت اسناد، صاحبِ گاوداری، مرغداری، صاحب چلوکبابی، رستوران، کله پزی، سبزی کار، جالیزکار، گندم کار، پاسدار، نیروی انتظامی

[1] . Warner W. L., - Canter, D.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

	(٤٩)، صاحب چاپخانه و انتشارات، کارگردان تئاتر و سینما، تولید کنندهٔ مبل و لوازم چوبی، کارگر کارخانه و معدن (٤٨)،
متوسط رو به پایین (٤٧-٤٢)	وزیر ، شهردار، تکنیسین آزمایشگاه، مجری صدا و سیما، کتاب و لوازم التحریرفروش، سرکارگر کارخانه، تعمیرکار لوازم منزل، سنگ کار، کاشی‌کار، گچ‌کار، آهنگر، نجار، بنا، رانندهٔ کامیون و تریلی و اتوبوس، زنبوردار و تولیدکنندهٔ عسل، تولیدکنندهٔ گلاب و عرقیجات، تولیدکنندهٔ مواد غذایی- لبنی (٤٦)، فرماندار، معاون اداره و سازمان، خبرنگار و روزنامه نگار، بقال، مغازه‌دار، گل فروش (٤٥)، استاندار، سردار پاسدار، سردبیر روزنامه، پیمانکار شرکت‌ها، سلمانی و آرایشگر، فروشندهٔ کامپیوتر و لوازم صوتی تصویری و.. طراح و مجری وب سایت، رانندهٔ تاکسی و اتوبوس شهری، لوله کش، برقکار، نقاش ساختمان ، عطار، نگهبان (٤٤)، امام جمعه، کارمند دولت، تزریقاتی (٤٣)، سفیر، مدیرکل نهادهای دولتی، بیمه گذار، تعمیر کار کیف وکفش،
پایین (٤١-٣٦)	نمایندهٔ مجلس، آشپز رستوران و فست فود، اغذیه و ساندویچ فروش، قصاب، نظافتچی، آبدارچی، باربر، چله دوان، رنگرَز ، سرِجه پیما، مِسگر، سفالگر، لحافدوز، پنبه زن، کارگرساختمان، پمپ بنزین (٤١)، مدیر آژانس مسافرتی (٣٩)، راهنمای گردشگری (٣٨)، روحانی، امام جماعت، صاحب بنگاه املاک (٣٧)
بسیار پایین (٣٥-٣٠)	تایپیست، منشی(٣٥)، حمامی (٣٣)،

تحرک اجتماعی

تحرک اجتماعی، جابه‌جایی افراد در پایگاه‌ها و قشرهای مختلف نظام سلسله مراتبی جامعه است و شامل دو نوع تحرک میان‌نسلی و درون‌نسلی است (کوئن، ۱۳۷۰: ۲٦۲). در این پژوهش، مقایسهٔ منزلت اولین شغل فرد با منزلت شغلی کاری که هم اکنون به آن اشتغال دارد، سنجش میزان تحرک درون نسلی را میسر می‌نماید. سطح سنجش تحرک اجتماعی درون نسلی، رتبه‌ای است و با توجه به طبقه‌بندی هفت‌گانهٔ منزلت مشاغل در شهر کاشان، طبعا سطوح تحرک اجتماعی از ٦- درجه تحرک نزولی تا ٦+ درجه تحرک صعودی را در بر گرفته است و عدد صفر در این بازه، نشان‌گر قطر جدول و مجموعه افرادِ بدون تحرک است.

عوامل انگیزشی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

تحرک اجتماعی و پیشرفت انسان‌ها از یک‌سو حاصل شرایط و اوضاع بیرونی و از سوی دیگر تحت تأثیر انگیزش‌های درونی و فردی است. در این پژوهش، عوامل انگیزشی به کمک شاخص‌هایی چون: عقیده به سرنوشت مقدر، عقیده به شانس و اقبال، عقیده به همت و تلاش فردی و رضایت از وضع موجودِ خود مورد بررسی قرار گرفته است و سطح سنجش آن نیز فاصله‌ای می‌باشد. حداقل نمرهٔ احتمالیِ پاسخگویان در عوامل انگیزشی معادل ٤ و حداکثر نمره ۱۸ می‌باشد و در نتیجه حد متوسط یا میانگین نظری این مقیاس نیز برابر با ۱۱ خواهد بود.

عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی، مجموعه‌ای از روابط، معلومات، اطلاعات و امتیازاتی است که فرد برای به دست آوردن یا حفظ کردن یک موقعیت از آن استفاده می‌کند (قدیمی ۱۳۹۹، به نقل از کاظمیان ١٤٠٣: ٦٦). در این پژوهش، عوامل فرهنگی به کمک شاخص‌هایی چون: تحصیلات، کیفیت تحصیل، آموزش‌های تخصصی مهارتی و عادات فرهنگی پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفته است و سطح سنجش این مقیاس نیز فاصله‌ای است. حداقل نمره‌ای که پاسخگویان ممکن است در مقیاس مربوط به عوامل فرهنگی بگیرند، معادل ٤، حداکثر نمره ۲۳ و میانگین نظری این مقیاس نیز برابر با ۱۳/۵ می‌باشد.

استراتژی‌های تحرک و بازتولید اجتماعی

استراتژی، عبارت است از اقداماتی آگاهانه، برنامه‌ریزی شده و زمان‌مند به منظور دستیابی به اهدافی معین. در پژوهش حاضر، استراتژی‌های تحرک صعودی و ارتقاء افراد – همچنین بازتولید اجتماعی– در انواع پنجگانهٔ استراتژی‌های آموزشی، اجتماعی، زیستی، اقتصادی و سیاسی تعیین شده است و به کمک شاخص‌های برگرفته از نظرات بوردیو و پیشینه مورد سنجش قرار گرفته است و سطح سنجش این مقیاس نیز اسمی است. در این قسمت، نمای روشنی از متغیرهای پژوهش، ابعاد، شاخص‌ها و سطح سنجش این متغیر را می‌توان در جدول شمارهٔ ۳ ملاحظه کرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

جدول شمارهٔ سه- ابعاد، شاخص‌ها و سطح سنجش استراتژی‌های تحرک و باز تولید اجتماعی

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها	سطح سنجش
استراتژی‌های ارتقاء و بازتولید	آموزشی	سرمایه‌گذاری در یادگیری زبان‌های خارجی، کسب دانش و مهارت در رشته‌های خاص و مورد نیاز، تحصیل تا مقاطع بالای دانشگاهی.	اسمی
	اجتماعی	ارتباط با مدیران و مسؤولان ادارات شهر، روحانیون بانفوذ، مقامات نظامی و امنیتی.	
	زیستی	تأخیر در ازدواج، فرزندآوری اندک، سرمایه‌گذاری روی تغذیه، ورزش، حفظ سلامتی و....	
	اقتصادی	انتقال دارایی، ملک و میراث به فرزندان، سرمایه‌گذاری اقتصادی و پس انداز و.... برای فرزندان	
	سیاسی	زمینه‌سازی برای نزدیک شدن به کانون‌های قدرت، ازدواج با فرزندان مسؤولین، تلاش برای استخدام در مشاغل امنیتی، سپاه، ورود به حوزهٔ علمیه و ...	

یافته‌های پژوهش

الف. ویژگی‌های پاسخگویان

نمونهٔ مورد مطالعه شامل ۷۸/٤٪ مردان و ۲۱/٦٪ زنان شاغل بوده است. میانگین سنی پاسخگویان تقریبا ۳۹ سال می‌باشد، اکثریت پاسخگویان اهل کاشان بودند و تنها ۱۷٪ مهاجر بوده‌اند. یک چهارم پاسخگویان (۲۵/۷ ٪) تحصیلات دیپلم و پیش دانشگاهی دارند، یک چهارم لیسانس (۲٤/۷٪) و بقیه زیر دیپلم هستند. کیفیت تحصیل دو سوم پاسخگویان (تقریبا۷۰٪) در سطح متوسطه و با معدل‌های ۱٤ تا ۱۷ بوده است. سطح تحصیلات حداقل دوسوم والدین پاسخگویان زیر دیپلم بوده است اما اکثریت آنان توقع داشتند فرزندان‌شان تحصیلات دانشگاهی را تا سطوح لیسانس و بالاتر ادامه دهند. اغلب پاسخگویان متأهل و در محلات سطح متوسط یا

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

گران قیمت و خانه‌های بیش از ۷۵ متر ساکن‌اند. به لحاظ شغلی، تقریبا ۹۰٪ جامعهٔ مورد بررسی از سن ۲۵ سالگی شروع به کار کرده‌اند و شغل اولیهٔ اکثریت آنان (۸۷٪) مشاغل سطح متوسط بوده است و هم اکنون نیز نیمی از آنها (٪۵۲) همچنان در مشاغل سطح متوسط مشغول فعالیت هستند، همچنین، ٤۵٪ پاسخگویان از موقعیت شغلی خود رضایت دارند. بیش از نصفِ پدران پاسخگویان (٥٦/٤٪) دارای مشاغل سطح متوسط و کمتر از یک درصد پدران دارای شغل‌هایی با جایگاه بسیار بالا بوده‌اند. در نهایت، میانگین نمرهٔ عوامل انگیزشی در بین پاسخگویان در حد متوسط (۱۰/۷۵)، میانگین نمرهٔ عوامل فرهنگی کمتر از حد متوسط (۱۱/۹۵)، میانگین نمرهٔ عوامل اقتصادی کمی بالاتر از حد متوسط (٤/۳۲) و میانگین نمرهٔ عوامل خانوادگی نیز کمتر از حد متوسط (۱۱/۳) بوده است.

بر اساس یافته‌ها، ۳۹/۵٪ جامعهٔ مورد مطالعه، تحرک درون نسلی داشتند و بقیه در طول زندگی شغلی خود تحولی را تجربه نکرده‌اند. در بین تحرک‌کنندگان، میزان تحرک نزولی (۲۵/۷٪) تقریبا دو برابر بیشتر از تحرک صعودی یا پیشرفت و ارتقاء (۱۳/۷٪) بوده است. عمده-ترین استراتژی‌های مورد استفاده در افرادی که ارتقاء و پیشرفت داشته‌اند را استراتژی‌های اقتصادی (۳۸٪) و آموزشی (۳۰٪) تشکیل می‌دهد و ارتقاء یافتگان بیش از همه به کمک این دو استراتژی توانسته‌اند در طول زندگی موقعیت‌شان را بالا ببرند.

ب. تشریح جدول تحرک درون نسلی

با مقایسهٔ جایگاه اولین شغل پاسخگو با شغل کنونیِ وی جدول شمارهٔ ٤ به عنوان یک جدول تحرک اجتماعیِ درون نسلی تنظیم شده است. بر اساس داده‌ها، اعداد مندرج در قطر جدول (دیاگونال) بیانگر عدم تحرک است، اعداد نیمه بالاییِ دیاگونال، بیانگر تحرک صعودی است و اعداد نیمهٔ پایینیِ دیاگونال نیز تحرک نزولی پاسخگویان را در طول زندگی شغلی خود نشان می‌دهند.

جدول شمارهٔ چهار- توزیع فراوانی تحرک درون نسلی پاسخگویان (برحسب نفر)

شغل کنونی پاسخگویان	اولین شغل پاسخگویان							جمع
	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	
۱. مشاغل سطح بسیار پایین	۱	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۳

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

۲. مشاغل سطح پایین	۲	۸	۷	٦	۰	۲	۰	۲۵
۳. مشاغل سطح متوسط رو به پایین	۱	۷	۷۸	۲ ۸	۱	۲	۰	۱۱۷
٤. مشاغل سطح متوسط	۰	۱	٦۵	۱۲۹	۱	٤	۰	۲۰۰
۵. مشاغل سطح متوسط رو به بالا	۰	۰	۳	۹	۱۳	۰	۰	۲۵
٦.مشاغل سطح بالا	۰	۰	۲	۵	۲	٤	۰	۱۳
۷. مشاغل سطح بسیار بالا	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۲
جمع	٤	۱۷	۱۵۵	۱۸۰	۱۷	۱۲	۰	۳۸۵ نفر

با توجه به نتایج جدول ٤، تعداد ۲۲۳ نفر یا ٦۰/۵٪ از کل پاسخگویان که در قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرک درون نسلی نداشته‌اند. اما تعداد ۵۳ نفر یا ۱۳/۷٪ پاسخگویان که در نیمهٔ بالای قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرک صعودیِ درون نسلی داشتند و توانسته‌اند جایگاه و موقعیت اجتماعی خود را در طول زندگی ارتقاء دهند. همچنین، ۹۹ نفر یا ۲۵/۷٪ پاسخگویان که در نیمهٔ پایینی قطر جدول ثبت شده‌اند، تحرک نزولی درون نسلی داشتند و جایگاه شغلیِ گذشتهٔ خود را از دست داده‌اند. به این ترتیب، تقریبا ٦۱ درصد پاسخگویان، عدم تحرک و ۳۹ درصد تحرک درون نسلی – اعم از ارتقاء یا تنزل– داشته‌اند.

با شمارش افرادی که در نیمهٔ بالایی جدول و در اولین ردیف اُریبِ پس از قُطر یا دیاگونال قرار دارند (۳٦=۱+۲۸+۷) می‌توان دریافت از کل پاسخگویانی که تحرک صعودی داشته‌اند ٦۷/۹٪ به میزان یک درجه ارتقاء داشته‌اند. همچنین، با شمارش دومین، سومین و چهارمین ردیفِ اُریبِ نیمه بالایی قطر جدول، میزان‌های متفاوتِ ارتقاء درون نسلی در بین پاسخگویان به دست می‌آید. متقابلا، با شمارش افرادی که در اولین ردیفِ اُریبِ نیمه پایینیِ قطر جدول ثبت شده‌اند (۸۵ = ۲ + ۷ + ٦۵ + ۹ + ۲) مشخص شد از مجموعِ پاسخگویانی که تنزل داشته‌اند، ۸۵/۸٪ یک درجه تحرک نزولی یا کوتاه بُرد داشته‌اند. با شمارش دومین، سومین و پنجمین ردیفِ اُریب از نیمهٔ پایینیِ قطر جدول نیز میزان‌های متفاوتِ تحرک نزولیِ درون نسلی پاسخگویان معلوم شد. بر این اساس، "مدرج تحرک درون نسلی" در جدول ۵ ارائه می‌گردد:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

جدول شمارهٔ پنج- مدرج تحرک درون نسلی پاسخگویان

ارتقاء یافتگان در طول زندگی شغلی خود	**فراوانی**	**درصد**
یک درجه ارتقاء (تحرک صعودی کوتاه بُرد)	٣٦ نفر	٪٦٧/٩
دو درجه ارتقاء (تحرک صعودی میان برد)	١١ نفر	٪٢٠/٧
سه درجه ارتقاء و بیشتر (تحرک صعودی دوربرد)	٦ نفر	٪١١/٣
جمع کل	٥٣ نفر	٪١٠٠
تنزل یافتگان در طول زندگی شغلی خود	**فراوانی**	**درصد**
یک درجه تنزل (تحرک نزولی کوتاه بُرد)	٨٥ نفر	٪٨٥/٨
دو درجه ارتقاء (تحرک نزولی میان برد)	١٠ نفر	٪١٠
سه درجه ارتقاء و بیشتر (تحرک نزولی دوربرد)	٤ نفر	٪٤/٢
جمع کل	٩٩ نفر	٪١٠٠

در ادامه، برای ارائهٔ تصویر دقیق‌تری از تحرک درون نسلی سعی شده با تنظیم جدول ٦ توزیع نسبیِ تحرک درون نسلی در هریک از موقعیت‌هایِ شغلیِ هفت گانه تشریح گردد.

جدول شمارهٔ شش-توزیع نسبی تحرک درون نسلی پاسخگویان در طبقات شغلی (برحسب درصد)

شغل کنونی پاسخگویان	**اولین شغل پاسخگویان**							**جمع**
	١	**٢**	**٣**	**٤**	**٥**	**٦**	**٧**	
١. مشاغل سطح بسیار پایین	٪٣٣	٪٠	٪٠	٪٦٦/٧	٪٠	٪٠	٪٠	٪١٠٠
٢. مشاغل سطح پایین	٪٨	٪٣٢	٪٢٨	٪٢٤	٪٠	٪٨	٪٠	٪١٠٠

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

۳ . مشاغل سطح متوسط رو به پایین	٪۹۰	٪٦	٪۷٦٦	٪۲۳/۹	٪۰/۹	٪۱/۷	٪۰	٪۱۰۰
٤ . مشاغل سطح متوسط	٪۰	٪۰/٥	٪۳۲/٥	٪٦٤/٥	۰/٥	٪۲	٪۰	٪۱۰۰
٥ . مشاغل سطح متوسط رو به بالا	٪۰	٪۰	٪۱۲	٪۳٦	٪٥۲	٪۰	٪۰	٪۱۰۰
٦ . مشاغل سطح بالا	٪۰	٪۰	٪۱٥/٤	٪۳۸/٥	٪۱٥/٤	٪۳۰/۸	٪۰	٪۱۰۰
۷ . مشاغل سطح بسیار بالا	٪۰	٪٥۰	٪۰	٪٥۰	٪۰	٪۰	٪۰	٪۱۰۰
جمع	٪۱	٪٤/٤	٪٤۰/۳	٪٤٦/۸	٪٤/٤	٪۳/۱	٪۰	٪۱۰۰

نتایج جدول ٦ نشان می‌دهد ۳۳٪ از افرادی که اولین شغل آنها مشاغلی در سطح بسیار پایین بوده است، همچنان در همان جایگاه خود باقی مانده‌اند و تحرکی نداشته‌اند، اما بقیهٔ افراد این گروه (٦۷٪) تحرک صعودیِ دوربرد به میزان سه درجه داشته‌اند، مثلا شغل اول برخی منشی‌گری بوده است (۱) اما در حال حاضر بوتیک دارند (۳)[۱].

تقریبا یک سوم (۳۲٪) افرادی که اولین شغل آنها مشاغلی در سطح پایین بوده است نیز، تحرک اجتماعی نداشتند اما ٥۲٪ بقیهٔ افراد این گروه ارتقاء یافتند و از این میان ۲۸٪ به میزان یک درجه پیشرفت کرده‌اند. مثلا ابتدا دست فروش(۲) بودند، اما در حال حاضر خیاط (۳) هستند، همچنین ۲٤٪ از این گروه به میزان دو درجه ارتقاء داشته‌اند. مثلا ابتدا آشپز (۲) بودند، اما در حال حاضر حسابدار(٤) شده‌اند. در این گروه ۸٪ نیز چهار درجه تحرک صعودی داشته‌اند، مثلا قبلا قصاب(۲) بودند، اما الآن تولید کنندهٔ گلیم و فرش (۷) شده‌اند.

تقریبا دوسوم (٦٦/۷٪) کسانی که زندگی شغلی خود را با مشاغل سطح متوسط رو به پایین مانند کارمندی، عطاری، سوپری و فروشندگی(۳) شروع کرده بودند، همچنان در همان جایگاه خود باقی ماندند و تحرکی نداشته‌اند. اما ۲٦/٥٪ از افرادِ این طبق،ه تحرک صعودی و به طورعمده به میزان یک درجه داشته‌اند، مثلا شغل اول فرد بنایی(۳) بود، اما در حال حاضر در کارخانه به عنوان کمک بافنده (٤) مشغول کار است و دستمزد و مزایای ثابت دارد. ٦/۹٪ بقیهٔ افراد این طبقه

[۱]. شماره‌های داخل پرانتز که پس از برخی مشاغل ذکر شده‌اند، بیانگر جایگاه و منزلت شغل مربوطه در طبقه-بندی هفتگانهٔ موقعیت های شغلی در این پژوهش است. عناوین شغلی نیز عینا از پرسشنامه‌ها استخراج شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

تحرک نزولی داشته‌اند. مثلا فرد در ابتدا میوه فروش (۳) بوده است، اما در حال حاضر آشپز (۲) است، یا ابتدا لبنیاتی (۳) بوده است، اما فعلا شاغل در بنگاه معاملات املاک (۲) است.

٦٤/٥٪ از کسانی که شغل اولیهٔ آنها در سطح متوسط بوده است، مثل بافنده، انباردار، رستوران دار، جوشکار، مکانیک اتومبیل(٤) همچنان در همان جایگاه خود باقی ماندند و تنها ۲/٥٪ از این گروه تحرک صعودی داشته‌اند. اما یک سوم بقیهٔ افراد این طبقه (۳۳٪) در گذر زمان تحرک نزولی داشته‌اند، مثلا برخی ابتدا تراشکار (٤) بودند، اما در حال حاضر مغازه‌دار(۳) شده-اند.

در بین افرادی که زندگی شغلی خود را از مشاغل سطح متوسط رو به بالا آغاز کرده بودند، ٥۲٪ تا زمان پژوهش در همان جایگاه خود باقی مانده‌اند، مانند شغل پرستار، داروساز، برنامه‌نویس کامپیوتر، طلاسازی، مدیر شرکت خصوصی(٥)، ولی بقیهٔ افراد این گروه (٤۸٪) تحرک نزولی داشته‌اند، به گونه‌ای که ۳٦٪ از آنها یک درجه و ۱۲٪ نیز دو درجه تنزل پیدا کرده-اند مثلا در ابتدا کارمند فنی شرکت‌های کامپیوتری (٥) بوده است، اما شغل فعلی آنها کار در مغازه (۳) است.

در بین افرادی که ابتدا در مشاغل سطح بالا مانند مشاغل فرهنگی، دبیری، مدرس زبان و پزشک عمومی شاغل بوده‌اند، ۳۸/۸٪ تحرکی نداشتند، اما بقیهٔ افراد این گروه (٦۱/۲٪) تحرک نزولی داشته‌اند، به گونه‌ای که ۱٥/٤٪ از آنها یک درجه تنزل داشتند و ۳۸/٥٪ دو درجه تنزل داشتند (ابتدا مربی(٦) بوده است، اما در حال حاضر صندوق‌دار(٤) است) و در نهایت ٥/٤ ٪ از افراد این گروه، در طول زندگی شغلی خود سه درجه تنزل جایگاه پیدا کرده‌اند (مثلا ابتدا شغل دبیری و تدریس(٦) داشتند، اما هم اکنون کارمند فروشگاه زنجیره‌ای یا کارمند دولت (۳) شده-اند).

در نهایت، از بین پاسخگویانی که شغل اولیهٔ آن‌ها مشاغل سطح بسیار بالا بوده است، هیچ-کدام نتوانسته‌اند در جایگاه خود باقی بمانند، بلکه در طول زندگی شغلی، نیمی از آن‌ها یک درجه و نیمی دیگر سه درجه تحرک نزولی داشتند و از جایگاه بسیار بالا به ترتیب به جایگاه‌های بالا و متوسط سقوط کرده‌اند.

در یک نگاه اجمالی، بیشترین ارتقاء یا تحرک صعودیِ درون نسلی به ترتیب در طبقات "بسیار پایین و پایین" و به ویژه در مشاغلی چون منشی‌گری، دستفروشی، قصابی و آشپزی دیده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

می‌شود. بیشترین عدم تحرک نیز به ترتیب در طبقات "متوسط و متوسط رو به پایین" به ویژه در مشاغلی چون کارمند، مغازه‌دار، عطار، رستوران‌دار، بافنده، جوشکار و مکانیک اتومبیل ملاحظه می‌شود. طبقات "بسیار بالا و بالا" نیز، به ویژه در مشاغلی چون مدرسِ مهارت‌های تخصصی مانند زبان، هنر، نقاشی و... بیشترین تنزل جایگاه داشته‌اند. درنهایت، در طبقهٔ "متوسط رو به بالا" عدم تحرک و تحرک نزولی تقریبا مساوی است، یعنی نیمی از افراد- به ویژه در مشاغلی چون داروساز، طلافروش، برنامه نویس کامپیوتر- عدم تحرک داشتند و نیمِ دیگر تنزل یافته‌اند.

د. یافته‌های تحلیلی و ازمون فرضیات

در این بخش، نقش متغیرهای زمینه‌ای و اصلی پژوهش در تحرک اجتماعی صعودیِ درون نسلی (ارتقاء درون نسلی) به کمک آزمون‌های کای اسکوئر[1] و همبستگی اسپیرمن[2] سنجش و نتایج به دست آمده در جدول شمارهٔ ۷ ارائه می‌گردد.

جدول شمارهٔ هفت- نتایج آزمون رابطهٔ میان متغیرهای پژوهش با ارتقاء درون نسلی

متغیر ها	ضرایب ازمون	سطح معناداری	نتیجهٔ آزمون
متغیرهای زمینه‌ای			
جنس – ارتقاء درون نسلی	خی دو= ۰/۲۸۱	۰/۲۲۱	رد فرضیه و عدم ارتباط
محل تولد – ارتقاء درون نسلی	خی دو= ۰/۳۵۲	۰/۳۸۲	رد فرضیه و عدم ارتباط
وضع تأهل – ارتقاء درون نسلی	خی دو= ۰/٦۷۵	۰/۵۷٤	رد فرضیه و عدم ارتباط
سن – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۱۴۰	۰/۸۹٤	رد فرضیه و عدم ارتباط
عوامل انگیزشی – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۲٦۲	۰/۰۰۸	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
عقیده به سرنوشت مقدر – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی	۰/۱۳٦	رد فرضیه و عدم ارتباط

[1] . Chi-Square Test
[2] . Spearman Correlation Test

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]
[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

	اسپیرمن= ۰/۱۵۰-		
عقیده به شانس و اقبال – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۲۳۲-	۰/۰۲۰	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
عقیده به کار و تلاش – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۰٦۹-	۰/٤۹۳	رد فرضیه و عدم ارتباط
رضایت از موقعیت فعلی – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۱۲٤-	۰/۲۱۷	رد فرضیه و عدم ارتباط
عوامل فرهنگی – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۳۲٦	۰/۰۰۳	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
تحصیلات پاسخگو – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۲۷٤	۰/۰۰٦	تأیید فرضیه و وجود ارتباط
کیفیت تحصیل – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۰۰۲	۰/۹۸۱	رد فرضیه و عدم ارتباط
عادات فرهنگی – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۰۳٤	۰/٦۹۲	رد فرضیه و عدم ارتباط
آموزش تخصصی مهارتی – ارتقاء درون نسلی	ضریب همبستگی اسپیرمن= ۰/۱۱۳	۰/۲٦٤	رد فرضیه و عدم ارتباط

با تأمل در نتایج جدول شمار، ۷به خصوص، بزرگتر از ۰/۰۵ بودنِ سطح معناداری در تمامی آزمون‌های آماریِ انجام شده میان "متغیرهای زمینه‌ای" از قبیل جنس، سن، وضع تأهل و محل تولد یا خاستگاه جغرافیایی پاسخگویان با متغیر "تحرک و ارتقاءِ درون نسلی" می‌توان دریافت، فرضیات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای، رابطهٔ معناداری را با پیشرفت و ارتقاء درون نسلی پاسخگویان نشان نمی‌دهند. اما در میان مؤلفه‌های "عوامل انگیزشی"، تنها متغیری که فرضیهٔ آن تأیید شده است، متغیر "اعتقاد به شانس و اقبال" بوده است و با توجه به علامت منفی ضریب آزمون، می‌توان گفت هرچه افراد برای رسیدن به موفقیت، کمتر به شانس و اقبال اعتقاد داشته باشند، میزان ارتقاء و پیشرفت درون نسلی آنان بیشتر خواهد بود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

همچنین، یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد بین "عوامل فرهنگی" و ارتقاء درون نسلی، رابطه وجود دارد و فرضیهٔ مربوطه تایید می‌شود. البته از بین مؤلفه‌های عوامل فرهنگی، تنها متغیری که فرضیهٔ مربوط به آن تأیید شده است، تحصیلات پاسخگو است. بقیهٔ مؤلفه‌ها یعنی کیفیت تحصیل، عادات فرهنگی از قبیل (مطالعه، نظم، نواختن موسیقی، نقاشی و طراحی، رفتن به نمایشگاه و تئاتر) و آموزش مهارت‌های تخصصی از قبیل (دوره‌های کار با ویندوز، مهارت‌های شغلی و فنی، دوره‌های زبان و...) هرکدام به تنهایی رابطهٔ معناداری با ارتقاء درون نسلی ندارند، اما در تلفیق با یکدیگر تحت عنوان عوامل فرهنگی، در ارتقاء درون نسلیِ افراد نقش دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ابعاد گوناگونی از تحرک درون نسلی را در یک جامعهٔ در حال گذار همچون کاشان بررسی کرده است و در صددِ کشفِ پاسخ برخی سؤالات در این زمینه بوده است. در زمینهٔ سؤال نخست، یعنی میزان تحرک اجتماعی درون نسلی در این شهر، نتایج نشان داد از هر ۱۰ نفر، ٤ نفر در طول زندگی موقعیت شغلی‌شان تغییر کرده است، اما ٦ نفر در همان موقعیت سابق خود باقی مانده‌اند. پیشرفتِ درون نسلی به طور عمده در مشاغلی چون منشی‌گری، دستفروشی، قصابی و آشپزی که به طور عمده، وابسته به طبقات شغلیِ پایین و بسیار پایین هستند، رخ داده است. در مورد این سؤال که شهروندان غالبا از کدام "استراتژی‌ها" برای ارتقاء درون نسلی استفاده می‌کنند، یافته‌ها نشان داد، شهروندان برای ارتقاء درون نسلی به طور عمده، از استراتژی‌های اقتصادی و آموزشی بهره گرفته‌اند.

هدف دیگر پژوهش، شناسایی برخی عوامل ارتقاء درون نسلی بوده است. در شناسایی این هدف که اساسا ناظر بر فرضیه‌های تحقیق است، نتایج ازمون‌ها نشان داد برای پیشرفت و ارتقاء درون نسلی یک عامل انگیزشی (عدم اعتقاد به شانس واقبال برای موفق شدن) و یک عامل فرهنگی (سطح تحصیلات) نقش مؤثری دارند و فرضیات آنها مورد تأیید واقع شده است.

در این پژوهش، نتایج غیر منتظره‌ای نیز به دست آمد. نخست اینکه، شهر کاشان یکی از پایگاه‌های نیرومندِ حکومت و تغذیه کنندهٔ بدنهٔ اجتماعی، مذهبی و سیاسیِ جریانات موافق با نظام سیاسی کشور را تشکیل می‌دهد، اما با این وجود، گویا مردم عادی در زندگی روزمرهٔ خود کمتر از استراتژی سیاسی و پیوند با کانون‌های قدرت، مدیران شهری و صاحبان نفوذ برای تحرک و ارتقاء موقعیت خود استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد بدنهٔ جامعه، فاصلهٔ خود را از این نوع ارتباطات حفظ نموده‌اند و بیشتر بر ظرفیت‌های خود برای پیشرفت متکی است. دوم اینکه، بی اثر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

بودن نقش جنسیت و مهاجرت در تحرک و ارتقاء اجتماعی برخلاف نظرات گیدنز، بِم و بسیاری از مطالعات پیشین است. در این پژوهش، جنسیت، رابطهٔ معناداری با ارتقاء درون نسلی نشان نداد و همین نتیجهٔ غیر منتظره در مورد محل تولد یا خاستگاه جغرافیایی نیز به دست آمد و نشان داد برخلاف تأکید نتایج مطالعات گذشته مبنی بر فزونیِ میزان ارتقاء و تحرک مهاجران نسبت به بومی‌ها، در اینجا کاشانی‌ها و مهاجران میزان تحرکِ متفاوتی را تجربه نکرده‌اند.

در زمینهٔ تحرک ساختاری نیز نتایج قابل تاملی در این پژوهش به دست آمد که به طور عمده به منزلت و جایگاه مسؤولان، قانونگذاران و مدیران عالی رتبه، به ویژه رجال سیاسی و مذهبی مربوط شده است و نشان می‌دهد منزلت این جایگاه‌ها به صورت ساختاری تغییر کرده است؛ به عبارتی شرایط و اوضاع احوال سیاسی به گونه‌ای شده است که جایگاه‌های ذکر شده در نگاه مردم، منزلت و موقعیتِ گذشته خود را از دست داده‌اند ولی – براساس نتایج- مشاغل فرهنگی و آموزشی نسبت به گذشته، جایگاه بهتری در جامعه و انظار عمومی پیدا کرده‌اند.

از سوی دیگر، مشخص شد عوامل انگیزشی به ویژه عدم اعتقاد به شانس و متقابلا تلاش و کوشش برای موفقیت، باعث انگیزه‌مند شدن افراد برای تحرک می‌شود و این نتیجه با نظریات مک کله لند و پارسونز همسو است. همچنین، پژوهش حاضر نشان داد عوامل فرهنگی نیز در تحرک و ارتقاء درون نسلی نقش ایفا می‌کنند و این نتیجه، مؤید تحقیقات جامعه‌شناسانِ توسعه به ویژه توسعهٔ انسانی است که بی سوادی یا کم سوادی را بخشی از فرهنگ فقر که مانع تحرک اجتماعی می‌شود تلقی کرده‌اند و معتقدند با افزایش سطح تحصیلات، میزان تحرک اجتماعی افزایش می‌یابد.

در نهایت اینکه، اثر گذاری عوامل فرهنگی در این پژوهش مؤید نظریات بوردیو پیرامون نقش عادت‌واره و تحصیلات در فراهم سازی زمینه‌های تحرک و ارتقاء اجتماعی است. در کنار نظرات صاحبنظران، مطالعات گذشته نیز بر این موضوع تأکید داشته‌اند. تحقیق زارع و لطفی (۱۳۹۱) نشان داد مدرک تحصیلی افراد و گسترش مراکز آموزش عالی در کشور بر نوع مشاغل و به تبع آن بر نوع تحرک اجتماعی تأثیر دارد. در پژوهشِ غفاری و حقیقتیان (۱۳۹۵) نیز به نقش سطح آموزشی بالا، مدارک تحصیلی و کسب مهارت‌های آموزشی که باعث ارتقاء منزلت اجتماعی و تحرک صعودی منجر می‌شود، اشاره می‌کند. در واقع، تأکید بر نقش عوامل فرهنگی در تحرک اجتماعی فصل مشترک این پژوهش و بسیاری از پژوهش‌های قبلی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۱) **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ منصور وثوقی، تهران: علمی.

۲. امینی‌خو، مصطفی (۱۳۹٦) «**وضعیت تحرک اجتماعی مهاجرین روستا-شهری و ارتباط آن با نوع مهاجرت و برخی عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی در شهرهای یاسوج و مادوان**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج.

۳. اشرف، احمد و علی بنوعزیزی (۱۳۸۷) **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، ترجمهٔ سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.

٤. پناهی، محمد حسین (۱۳۸۳) «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، **علوم اجتماعی**، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲۷: ٤۱-۱.

۵. توکل، محمد و مریم قاضی نژاد (۱۳۸۵) «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه-شناختی: بررسی و نقد رهیافت تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، **علوم اجتماعی**، دورهٔ ۲۷، شمارهٔ ۲۷: ۱۲٤-۹۵.

٦. جبلی بخت آرا، وحید (۱۳۸۷) «**تحرک اجتماعی داوطلبان مشارکت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: مطالعه‌ای در مورد جانبازان بسیجی ساکن شهر تهران بزرگ**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۷. خادمی، حسن و تقی آزاد ارمکی (۱۳۸۲) «ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی»، **نامهٔ پژوهش فرهنگی**، ۸ (۸): ۲۸- ۳.

۸. خدابنده لو، سعید (۱۳۷۲) «**تحرک اجتماعی (بین نسلی): مطالعهٔ موردی شهر کرمانشاه**» پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

۹. ریزمن، لئونارد و ماریانواف انگویتا (۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی**، ترجمهٔ محمدقلی پور، مشهد: مرندیز و آوای کلک.

۱۰. زارع، بیژن و مهوش لطفی (۱۳۹۲) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر کرمانشاه»، **مسائل اجتماعی ایران**، ٤ (۱): ۱۳۹- ۱۱۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

۱۱. سفیری، خدیجه و اله ایمانی (۱۳۸۵) «تحرک اجتماعی بین نسلی زنان در تهران با تأکید بر دسترسی به امکانات و فرصت‌ها»، **پژوهش زنان**، ٤(۱و۲): ۱۵۸- ۱٤۱.

۱۲. شمس الدینی، زهرا (۱۳۹۵) «**بررسی میزان تقدیرگرایی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن: مطالعهٔ موردی شهروندان ٦۵ -۱۸ شهر کرمان**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱۳. شهرداری اصفهان (۱۳۹٦) **آمار تفصیلی شهرهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۵**.

۱٤. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲) «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران: مفهوم‌سازی شکاف نسلی»، در کتاب **نگاهی به گسست نسل‌ها**، تهیه و تنظیم از علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی: ۲٦٦-۲۵۱.

۱۵. غفاری، زهرا و منصور حقیقتیان (۱۳۹۵) «بررسی و تبیین تحرک اجتماعی میان نسلی با تأکید بر سرمایهٔ فرهنگی عینیت یافتهٔ بوردیو (مورد مطالعه: شهروندان ۳۰ تا ٥٤ سالهٔ شهر گرگان)»، **علوم اجتماعی** (دانشگاه فردوسی مشهد)، ۱۳ (۱): ۲۱٦- ۱۹۷.

۱٦. غیاثوند، احمد (۱۳۸۷) **کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها**، تهران: لویه و متفکران.

۱۷. کاظمیان، مهدیه (۱٤۰۳) «**بررسی ابعاد تحرک و بازتولید اجتماعی در شهر کاشان**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد رشتهٔ پژوهش علوم اجتماعی، دانشکدهٔ علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان.

۱۸. کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸) «الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعهٔ موردی در شهر تهران»، **نامهٔ علوم اجتماعی**، شمارهٔ ۱٤: ۱۷۲ – ۱۳۹.

۱۹. کوئن ، بروس (۱۳۷۰) **درآمدی به جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: توتیا.

۲۰. گیدنز، آنتونی(۱۳۹۷) جامعه‌شناسی، ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: نی.

۲۱. مارکس، کارل (۱۳۵۷) **کاپیتال**، ترجمهٔ اسکندری، تهران: حزب توده.

۲۲. مقدس، علی اصغر (۱۳۷٤) «منزلت مشاغل در جامعهٔ شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز»، **علوم اجتماعی دانشگاه شیراز**، دورهٔ دهم، شمارهٔ ۲: ۹٤-٦۵.

۲۳. نایبی، هوشنگ و رضا معصومی راد (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی»، **راهبرد اجتماعی و فرهنگی**، (۷)۲: ۱۲۳- ۱۰۳.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]

۲٤. نایبی، هوشنگ و رضا معصومی راد (۱۳۹۰) «عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی مردان ۳۵ تا ٦٤ ساله شهر تهران»، **مطالعات جامعه‌شناختی**، ۱۸(۳۹): ۳٤- ۱.

۲۵. منقبتی، مصطفی (۱۳۸۷) **تحرک اجتماعی- حیطه‌های شناختی و افعال مرتبط با آن**، بودجهٔ کتاب جامعه‌شناسی پیش دانشگاهی. برگرفته از سایت گروه علوم اجتماعی ادارهٔ آموزش پرورش الیگودرز در تاریخ ۱٤۰۲/۸/۱۵ : aliejte.blogfa.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-10-12]

[DOI: 10.61186/scds.12.4.77]